



درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۰ دیماه ۸۹
مصادف با: ۵ صفر ۱۴۳۲
جلسه: ۱۵

موضوع کلی: کتاب کافی

موضوع جزئی: اعتبار کافی

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

اعتبار کتاب کافی:

در مورد اعتبار روایات کافی دو دیدگاه وجود دارد:

دیدگاه اول:

بعضی بر این باورند که همه روایات کتاب کافی صحیح و قطعی الصدور هستند.

دیدگاه دوم:

بعضی معتقدند کتاب کافی در عین اتقان و استحکامی که دارد اما در عین حال مشتمل بر روایات ضعیف السند هم می باشد و ما نمی توانیم ادعا بکنیم که همه روایات کافی صحیح هستند.

نکته: اگر معتقد به صحت تمام روایات کافی باشیم روایات کافی نیاز به بررسی سند ندارند اما اگر معتقد باشیم که به جهت ضعف هایی که در روایات کتاب کافی وجود دارد نمی توان گفت که تمام روایات کافی صحیح و قطعی الصدور هستند، در این صورت روایاتی که از کتاب کافی نقل می شوند محتاج به بررسی سندی هستند.

دلیل قائلین به صحت تمام روایات کافی:

عمده ترین دلیل قائلین به صحت تمام روایات کافی استناد به کلام مرحوم کلینی در مقدمه کتاب کافی است که در مقدمه ی کافی در جواب سائلی که از مرحوم کلینی درخواست می کند کتابی را بنویسد که مشتمل بر چند ویژگی باشد (آن ویژگی ها را در جلسات گذشته بیان کردیم) در پاسخ، مرحوم کلینی به او می نویسد: «اما بعد فقد فهمتُ یا آخی ما شکوت... و قلت انک تحب ان یکون عندک کتاب کافی... وقد یسرَّ الله و له الحمد تألیف ما سألت و أرجوا ان یکون...» مرحوم کلینی می گوید: خداوند تبارک و تعالی این را برای من فراهم کرد که من کتابی را تألیف کنم که تو خواسته بودی، چون یکی از آن ویژگی هایی که سائل از مرحوم کلینی خواسته بود آنها را در کتابش لحاظ کند صحت روایات بود عبارت «بالآثار الصحیحه عن الصادقین(ع)»، ذکر شده و مرحوم کلینی هم می فرماید من کتابی را که با این ویژگی ها باشد نوشتم، این شهادتی است از ناحیه ی مرحوم کلینی که این کتاب مشتمل بر روایات صحیحه می باشد، پس عمده ترین دلیل همین بیان خود مرحوم کلینی است.

بعضی گفته اند که این کتاب توسط نواب خاص امام زمان(ع) به آن حضرت عرضه شده و ایشان این کتاب را پسندیده و فرموده: «والکافی کافٍ لشیعتنا» که کلام حضرت را دلیل بر صحت روایات کافی می دانند، البته در سند این روایت اشکالاتی وجود دارد که در جای خودش باید بررسی شود.

اشکال اول: اشکال مامقانی بر این دلیل

صاحب تنقیح المقال و مرحوم آقای خوبی اشکالاتی را مطرح کرده‌اند دال بر اینکه که از عبارت کلینی نمی‌توان استفاده کرد که تمام روایات کافی صحیح می‌باشد.

صاحب تنقیح المقال می‌گوید: کلینی تصریح نکرده که در کتاب کافی روایات غیر صحیح وارد نشده^۱. یعنی آنچه که مرحوم کلینی در جواب سائل می‌گوید این است که تو این کتاب را از من خواستی و من هم اجابت کردم، اما جواب مرحوم کلینی تصریح ندارد به اینکه تمام روایات کافی صحیح هستند، لذا صاحب تنقیح المقال می‌گوید: عبارت مرحوم کلینی دلالت ندارد بر اینکه خودکلینی معتقد به صحت تمام روایات کافی است.

شواهد عدم دلالت عبارت بر مدعی:

مرحوم آقای خوئی در کتاب معجم رجال الحدیث^۲ شواهدی را ذکر می‌کند که روایات غیر صحیح هم در کتاب کافی وجود دارد که آن شواهد عبارتند از:

شاهد اول:

(۱) اولین مورد، این است که می‌فرماید: مرحوم کلینی در کافی تعدادی روایت نقل کرده که از معصومین نیست. ایشان در معجم رجال الحدیث دوازده مورد را ذکر می‌کنند که کلینی از غیر معصومین روایت نقل کرده و صورتی که از غیر معصومین هم روایت نقل شده باشد نمی‌توان گفت که تمام روایات کافی صحیح است.

شاهد دوم:

(۲) دومین مورد، استناد به کلامی است از خود مرحوم کلینی، که در کتاب کافی عبارتی را آورده که از آن فهمیده می‌شود خود ایشان جزم به صدور همه‌ی روایات نداشته و آن، در مورد روایات متعارض است که مرحوم کلینی می‌گوید: در مورد روایاتی که مختلف نقل شده، کسی نمی‌تواند به طور دقیق بین آنها تمییز دهد و بگوید که کدامیک از معصوم صادر شده و کدام صادر نشده و خود ایشان ملاک‌هایی را برای ترجیح روایات متعارض نقل می‌کند که یکی از آنها اخذ به شهرت است، صرف ذکر روایات متعارض در کافی و ذکر مرجحات برای ترجیح یک دسته بر دسته دیگر با جزم به صدور سازگار نیست.

درست است که مرحوم کلینی غالباً روایاتی را نقل می‌کند که مطابق نظر خودش هست لذا روایات متعارض کمتر نقل شده، اما در مواردی هم، روایات متعارض را بیان کرده که در اینصورت نمی‌شود هر دو روایت از معصوم صادر شده باشد ولی مرحوم کلینی هر دو روایت متعارض را نقل کرده و مرجحات یکی بر دیگری را هم نقل کرده، لذا یکی را ترجیح داده، پس اجمالاً معلوم می‌شود کتاب کافی مشتمل بر روایاتی است که خود مرحوم کلینی جزم به صدور آنها ندارد در این صورت مرحوم کلینی چطور می‌تواند معتقد شود به اینکه هیچ روایت غیر صحیحی در کتاب کافی وجود ندارد چون در مورد روایات متعارضی که در کافی نقل شده حداقل یکی از طرفین تعارض نباید صادر شده باشد که این با اعتقاد به صحت همه‌ی روایات، قابل جمع نیست.

۱. تنقیح المقال، ج ۱، مقام سوم از مقدمه، ص ۱۷۸.

۲. معجم رجال الحدیث، ج ۱، مقدمه‌ی اول، ص ۲۵ ۲۷.

شاهد سوم:

۳) مورد سوم این است که شیخ صدوق معتقد به صحت جمیع روایات کافی نبوده و اگر کلام مرحوم کلینی در مقدمه‌ی کتاب کافی بر صحت همه‌ی روایات دلالت می‌کرد، معنا نداشت که شیخ صدوق بگوید: اینطور نیست که همه‌ی روایات کافی صحیح باشد، چون اگر روایات کافی جمعاً صحیح می‌بود شیخ صدوق کتاب من لایحضره الفقیه را نمی‌نوشت. اگر شیخ صدوق معتقد به صحت تمام روایات کافی بود سائلی را که درخواست نوشتن کتاب من لایحضره الفقیه بر وزان من لایحضره الطیب کرده بود به کتاب کافی ارجاع می‌داد و معنا نداشت که کتاب مستقلی بنویسد، به علاوه در مواردی شیخ صدوق عباراتی دارد که اشعار به ضعف روایات کافی دارد مثل «ما وجدتُ هذا الحدیث الا فی کتاب محمد بن یعقوب کلینی و لا رویتهُ الا من طریقهِ» اینکه می‌گوید من این روایت را در جایی غیر از کتاب کلینی ندیده‌ام و فقط از طریق او نقل می‌کنم اشعار به ضعف روایت دارد، پس شیخ صدوق هم از عبارت کلینی در مقدمه‌ی کتاب این استفاده را نکرده که تمام روایات کافی صحیح می‌باشد.

شاهد چهارم:

۴) مورد چهارم اینکه شیخ طوسی هم معتقد به صحت جمیع روایات کافی نبوده چون اگر معتقد به صحت جمیع روایات کافی بود مطالبی را نمی‌گفت که از آنها استفاده می‌شود معتقد به صحت جمیع روایات کافی نبوده، شاهد بر این مدعا این است که شیخ طوسی مواردی را از کافی در کتاب تهذیب و استبصار نقل می‌کند و در اسناد آنها مناقشه می‌کند که این مناقشه دال بر عدم صحت روایات کافی می‌باشد مثلاً در یک روایتی نقل می‌کند که: ما رواه محمد بن یعقوب بسنده عن ابی سعید الخُدَری قال: «أمر رسول الله (ص) بلالاً أن ینادی...» بعد در ذیل این روایت شیخ طوسی می‌نویسد قال محمد بن الحسن (شیخ طوسی): «فما تضمّن هذا الحدیث من تحریم لحم الحمار الأهلی موافقٌ للعامة والرجال الذین رووا هذا الخبر اکثرهم عامّة و ما یختصّون بنقله لا یلتفت الیه»^۱ که این هم تصریحی است از ناحیه شیخ طوسی بر اینکه جمیع روایات کتاب کافی صحیح نیستند چه رسد به اینکه مقطوع الصدور باشند.

عمده اشکالاتی که بر دلالت عبارت کلینی بر اعتبار روایات کافی وارد شده، همین مواردی بود که ذکر شد که در آنها کلام مرحوم کلینی در مقدمه‌ی کتاب کافی که به عنوان عمده‌ترین دلیل بر صحت روایات کافی اقامه شده، مورد نقد واقع شده. البته یک جهت دیگر هم وجود دارد و آن اینکه اگر مبنای ما در باب حجیت خبر، خبر موثوق الصدور باشد، از نقل روایت در کتاب کافی اطمینان به صدور پیدا می‌کنیم ولو اینکه راویان ضعیف هم، در سند آن خبر باشند ولی اگر مبنا در باب حجیت خبر، خبر ثقه باشد ناچاریم که سند روایات را بررسی بکنیم، چون وقتی گفتیم خبر ثقه حجت است باید وثاقت روایات موجود در سند خبر، بررسی شود.

بحث جلسه آینده: باید ببینیم آیا دلیلی که بر صحت جمیع روایات کافی اقامه شده صحیح است و آیا اشکالات وارد بر این دلیل جواب دارد یا نه که ان شاء الله در جلسه‌ی آینده به آن اشاره خواهیم کرد. «والحمد لله رب العالمین»

۱. تهذیب، ج ۱، باب صید و زکات، ح ۱۷۰.